

مقاله

فقر و نابرابری، ۲۵ سال پس از انقلاب

جواد صالحی اصفهانی* - بخش پایانی

برگردان: چشم‌انداز ایران

۶- دسترسی به خدمات و لوازم خانگی

بهبود استانداردهای زندگی را تنها تا حدودی می‌توان در تغییرات درآمدها و هزینه‌های خانوارها دید. تغییر جهت هزینه‌کرد دولت که روی مناطق روستایی و فقیرتر متمرکز شد، در هیچ یک از این دو (درآمدها و هزینه‌های خانوارها) منعکس نمی‌شود. این هزینه‌کرد، دسترسی مناطق فقیر را به خدمات اساسی نظیر برق، آب لوله‌کشی و گاز طبیعی افزایش داد.

بهای این خدمات به‌طور کامل در درآمد و هزینه خانوار منعکس نمی‌شود، از جمله به این دلیل که یارانه زیادی به آنها تعلق می‌گیرد. در این گفتار شواهدی درباره شیوه تغییر دسترسی گروه‌های درآمدی مختلف به خدمات اساسی ارائه می‌شود. اثر افزایش دسترسی به آب و برق روی کیفیت زندگی مردم تا حدودی در برخورداری آنها از لوازم خانگی منعکس شده است.

در اینجا نشان داده شده که داشتن لوازم خانگی برقی همانند یخچال و ماشین لباسشویی حتی در کم‌هزینه‌ترین (یعنی فقیرترین) پنجم (۲۰٪ quintile) جامعه نیز افزایش یافته است. همچنین نشان داده می‌شود با وجود رشد سریع جمعیت، میزان مالکیت خانه (صاحب‌خانگی) [متأسفانه در این چند سال اخیر با بالا رفتن فاحش قیمت زمین و مسکن، روند معکوسی طی می‌شود.] ثابت مانده و مساحت خانه‌ها به طور متوسط و نیز برای افراد بسیار فقیر افزایش یافته است.

جدول ۷ تغییرات در شاخص‌های مالکیت مسکن، لوازم خانگی و

دسترسی به خدمات اساسی را برای خانواده متوسط در طول زمان بر اساس داده‌های "پیمایش هزینه‌ها و درآمدهای خانوارها" ارائه نموده است. بر اساس این شاخص‌ها، افزایش قابل توجهی در دسترسی به خدمات اساسی و لوازم خانگی رخ داده است. با وجود گسترش

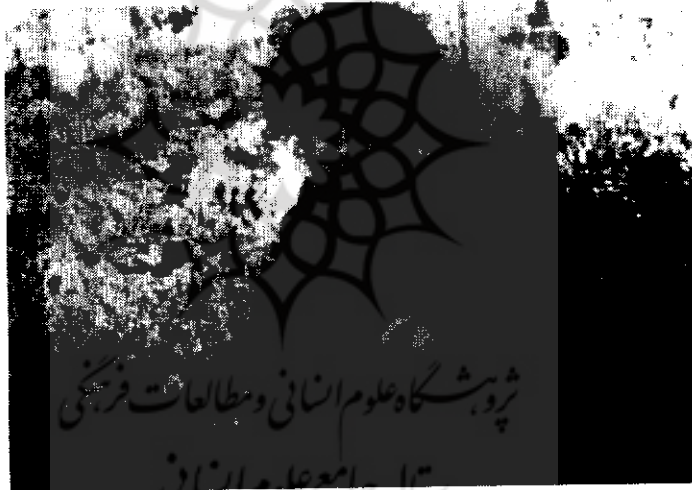
شه‌نشینی که اغلب به افزایش اجاره‌نشینی منجر می‌شود، مالکیت مسکن همچنان بالا باقی مانده و مساحت سرانه خانه‌ها افزایش یافته است. شکاف شهری - روستایی در دسترسی به خدمات اساسی کمتر شده که برخلاف جهت هزینه‌های سرانه بوده و در نهایت شکاف رفاهی میان مناطق روستایی و شهری را کم‌رنگ کرده است. برنامه گسترده برق‌رسانی به روستاها، دسترسی خانوارهای روستایی به برق را از ۱۶/۲ درصد در سال ۱۹۷۷ به ۹۸/۳ درصد در سال ۲۰۰۴ رسانده است.

این تغییر، دلیل سایر پیشرفت‌های ثبت شده در جدول ۷ می‌باشد. برای نمونه، داشتن یخچال در مناطق روستایی از ۷/۶ درصد در سال ۱۹۷۷ به ۹۲/۴ درصد در سال ۲۰۰۴ رسیده است. در میان خانواده‌های شهری تقریباً همه آنان در سال ۱۹۷۷ به برق دسترسی داشتند، ولی تنها ۳۶/۵ درصد دارای یخچال بودند که در سال ۲۰۰۴

این رقم به ۹۸/۵ درصد رسید. داشتن تلویزیون در مناطق شهری از ۲۲/۶ به ۹۷/۵ درصد و از ۳/۲ درصد به ۸۹/۱ درصد در مناطق روستایی افزایش یافته است. جالب است که داشتن تلویزیون در مناطق شهری که پیشتر دارای برق بودند تنها در عرض ۷ سال از ۲۲/۶ به ۷۹ درصد افزایش یافت، شاید به این دلیل که رهبران مذهبی استفاده از آن را مجاز دانستند. تقریباً نیمی از خانه‌های روستایی در سال ۲۰۰۴ دارای یک خط تلفن بوده‌اند، در حالی که پیش از انقلاب این مقدار کمتر از یک درصد بود.

دسترسی به آب لوله‌کشی در مناطق روستایی از ۱۱/۷ به ۸۹ درصد

خانواده‌ها افزایش یافته است که با توجه به پراکندگی وسیع خانواده‌های روستایی در بیش از ۶۰۰۰۰ روستای دور و نزدیک، دستاورد چشمگیری است. ارائه گاز طبیعی لوله‌کشی شده ارزان به خانه‌های مسکونی که پس از انقلاب آغاز شد، هم‌اکنون در ۸۰/۱ درصد خانه‌های



مقایسه رفاه اقتصادی طبقه فقیر در پیش و پس از انقلاب نشان‌دهنده بهبود کلی آن است. فقر در این دوره به صورت گسترده‌ای کاهش یافته و نابرابری نیز تشدید نشده است

جدول ۷: مالکیت خانه، لوازم خانگی و دسترسی به خدمات اساسی در سال‌های ۱۹۷۷ تا ۲۰۰۴

Year	Home owner	Living area	TV	Car	Phone	Washing machine	Refrig-ator	Gas stove	Elect-ricity	Water	Natural gas
Urban											
1977	-	-	22.6	5.9	-	2.4	36.5	40.1	-	-	-
1984	71.3	20.1	79.0	17.2	21.3	32.3	90.7	84.5	99.5	96.2	8.5
1989	73.6	17.9	83.9	17.2	27.4	38.4	92.4	88.7	99.6	96.0	16.7
1994	74.2	25.0	93.5	17.1	42.4	48.4	95.1	93.0	99.7	97.9	42.0
1999	74.2	26.4	95.3	17.4	53.7	52.4	97.0	95.6	98.9	99.9	60.0
2004	68.3	28.3	97.5	25.8	81.2	64.3	98.5	97.9	100.0	99.1	80.1
Rural											
1977	-	-	3.2	1.4	0.4	-	7.6	-	16.2	11.7	-
1984	89.4	-	25.6	2.8	-	-	35.5	45.5	57.1	43.9	0.2
1989	89.7	-	42.8	3.6	-	-	51.7	58.8	71.2	56.9	0.9
1994	87.6	16.3	68.1	4.2	6.0	12.3	69.0	72.6	83.6	72.2	2.3
1999	86.8	18.2	77.9	5.1	16.0	15.7	81.8	80.0	82.4	94.5	2.9
2004	86.0	21.3	89.1	9.3	49.4	23.4	92.4	89.5	98.3	89.0	14.1

owner is percent who own their home; living area is square meters per person; all other numbers are percents
 author's calculations using HEIS, various years.

پایین‌ترین پنجم ۶۳ درصد خانوارها تلفن، ۹۳/۴ درصد تلویزیون و ۹۵/۷ درصد یخچال و ۳۳/۴ درصد ماشین رختشویی داشتند. تقریباً همه آنها به برق و آب لوله‌کشی دسترسی داشته و ۶۲/۸ درصد به شبکه گاز طبیعی دسترسی داشته‌اند.

در مناطق روستایی نیز به استثنای گاز طبیعی، دسترسی خانوارهای فقیرتر به خدمات اساسی قابل توجه بوده است. در سال ۲۰۰۴، ۹۵ درصد از فقیرترین پنجم خانوارها به برق و ۷۹/۴ درصد به آب دسترسی داشته‌اند. به دلیل پراکندگی گسترده روستاییان تنها ۷/۷ درصد از

فقیرترین خانوارهای روستایی به شبکه گاز طبیعی دسترسی داشته‌اند. در مالکیت لوازم خانگی اساسی، خانوارهای فقیرتر طبیعتاً عقب‌تر بوده‌اند، چرا که درآمد آنها کم‌تر خرید این لوازم را نمی‌دهد. با این حال، وضع آنها نیز از این جهت بهبودهای چشمگیری داشته است. مالکیت تلویزیون در میان پایین‌ترین پنجم از ۷ درصد در سال ۱۹۸۴ به ۷۶/۷ درصد در سال ۲۰۰۴، یخچال از ۱۲/۷ درصد به ۸۰/۴ درصد و اجاق گاز از ۲۱ درصد به ۷۵/۸ درصد رسید.

۷- نکاتی به عنوان نتیجه‌گیری
 در این مقاله وضعیت فقر و نابرابری در ایران و چگونگی تغییرات آن در طول سه دهه گذشته توصیف شد. مقایسه رفاه

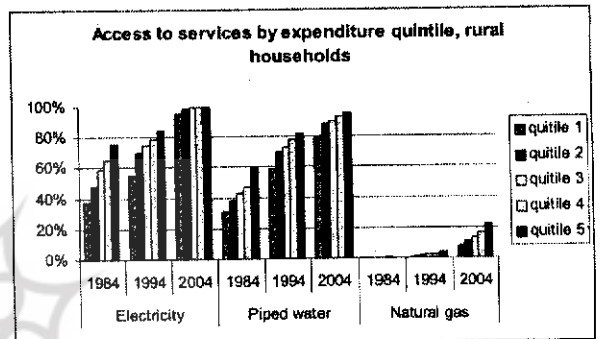
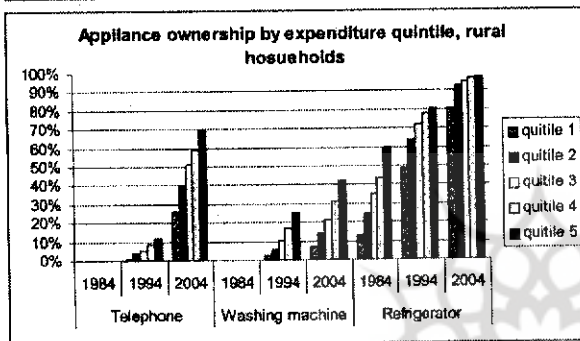
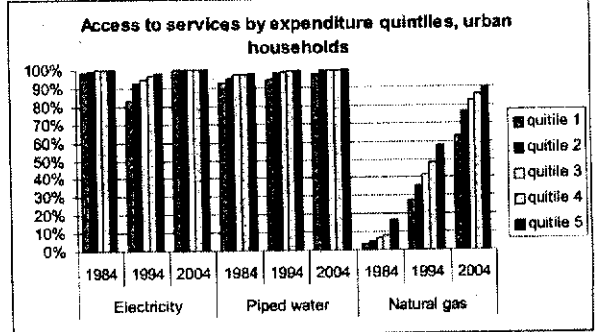
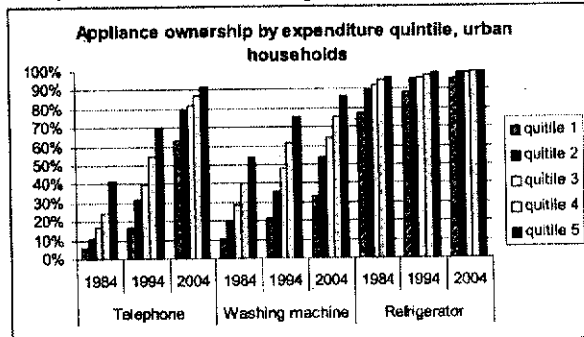
شهری محقق شده است. پراکندگی جغرافیایی خانوارهای روستایی تسری چنین خدماتی را به آنها بسیار هزینه بر نموده است و در نتیجه از میان آنها تنها ۱۴/۱ درصد به گاز طبیعی لوله‌کشی دسترسی دارند. در مورد مسکن، با وجود رشد سریع جمعیت در دو دهه گذشته متوسط مساحت خانه‌ها به ازای هر فرد در خانوارهای روستایی و شهری هر دو افزایش یافته است.

آیا طبقه فقیر نیز چنین بهبودهایی را در دسترسی به خدمات اساسی و داشتن لوازم خانگی به اندازه یک خانواده متوسط تجربه کرده است؟

برای سال‌های پس از ۱۹۸۴ که سوابق موجود در دسترس بوده، می‌توان این سؤال را پاسخ گفت. تغییر در شاخص‌های مطلوب برای پنجم‌های هزینه‌ای مختلف در تصویر ۱۲ و جدول ۸ ارائه شده است. داشتن لوازم خانگی و دسترسی به خدمات اساسی برای خانوارهای فقیرتر (پنجم ۱) حداقل به اندازه خانوارهای ثروتمند (پنجم ۵) افزایش یافته است. در مناطق شهری، در سال ۲۰۰۴ اختلاف میان پنجم‌های بالا و پایین به مقدار قابل توجهی کاهش یافت. خانوارهای فقیر و ثروتمند دسترسی برابری به خدمات اساسی به استثنای گاز طبیعی داشتند. تقریباً دو سوم خانوارها در تمامی پنجم‌های هزینه، خانه شخصی داشتند. در

خدمات اساسی که توسط دولت فراهم شد، نظیر برق و آب سالم این امکان را برای طبقه فقیر فراهم نمود تا لوازم خانگی مورد نیاز خود را داشته باشند و همین‌طور سبب شد خدمات بهداشت عمومی و تنظیم خانوارها به خانوارهای فقیر شهری و روستایی نیز برسد. هزینه‌کرد در زمینه بهداشت عمومی منجر به کاهش قابل توجه مرگ و میر نوزادان و میزان باروری در خانوارها شد. این که آیا این دستاوردها در هر حال رخ می‌داد یا نتیجه انقلاب بوده، پرسشی است که پاسخ به آن امکان‌پذیر نیست

تصویر ۱۲: مالکیت لوازم خانگی و دسترسی به خدمات اساسی به تفکیک پنجگانه‌های هزینه‌ای در سال‌های ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۴



نفی نیز درس‌های دیگری در بر دارد. در تأیید این نظر که اصلاحات اقتصادی انجام شده در زمان دولت‌های خاتمی و رفسنجانی طبقه فقیر را نادیده گرفته و در نتیجه منجر به واکنش آنها در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۵ شد، شواهد چندانی وجود ندارد. در حقیقت، این دوره مصادف است با کاهش اساسی فقر در ایران. البته تعیین مقدار اثرگذاری اصلاحات اقتصادی بر کاهش فقر مشکل می‌باشد. گرچه سیاست‌هایی به نفع طبقه فقیر اجرا شد، ولی دلیل عمده کاهش فقر، ممکن است افزایش درآمدهای نفتی باشد. سیاست‌هایی که به نفع طبقه فقیر بوده در طیف وسیعی، از یارانه غذا، انرژی و دارو تا صرف هزینه برای تأمین برق و آب، تا برنامه‌های بهداشت و تنظیم خانواده، گسترده هستند. برای تخمین اثر هر یک از برنامه‌ها یا سیاست‌ها بر فقر، بررسی جزئی‌تری روی این داده‌ها مورد نیاز می‌باشد.

در صورتی که نتایج انتخابات ۲۰۰۵ واکنشی به افزایش فقر و نابرابری

با اصلاحات اقتصادی نبود، پس اصلاح‌طلبان از این وقایع چه درس‌های سیاسی را می‌توانند استخراج نمایند؟ بلافاصله پس از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۵ بسیاری شکست اصلاح‌طلبان را به تمرکز آنان بر اصلاحات دموکراتیک به جای عدالت اجتماعی نسبت دادند. مابکل ایگناتیف، معضل اصلاح‌طلبان ایران را چنین می‌داند: «وظیفه سیاسی پیشرویی متفکران لیبرال ایرانی یافتن برنامه‌ای

اقتصادی طبقه فقیر در پیش و پس از انقلاب نشان دهنده بهبود کلی آن است. فقر در این دوره به صورت گسترده‌ای کاهش یافته و نابرابری نیز تشدید نشده است. افول اقتصادی دهه اول انقلاب با رشد اقتصادی ۱۵ سال گذشته جبران شده و درآمد متوسط مردم به سطح پیش از انقلاب بازگشته است، ولی برای طبقه فقیر بهبود وضع اقتصادی فراتر از صرفاً بازگشت به استانداردهای زندگی پیش از انقلاب بود. آنها بهبودهایی را هم از جهت درآمد، هزینه و دسترسی به خدمات اساسی تجربه کرده‌اند.

خدمات اساسی که توسط دولت فراهم شد، نظیر برق و آب سالم این امکان را برای طبقه فقیر فراهم نمود تا لوازم خانگی مورد نیاز خود را داشته باشند و همین‌طور سبب شد خدمات بهداشت عمومی و تنظیم خانواده به خانوارهای فقیر شهری و روستایی نیز برسد. هزینه‌کرد در زمینه بهداشت عمومی منجر به کاهش قابل توجه مرگ و میر نوزادان و میزان باروری در خانواده‌ها شد. این که آیا این دستاوردها در هر حال رخ

می‌داد یا نتیجه انقلاب بوده، بررسی است که پاسخ به آن امکان‌پذیر نیست، اما به مسئله طرح شده در آغاز مقاله قطعاً ربط پیدا می‌کند، ریشه‌های نارضایتی اقتصادی در ایران چیست؟ این مقاله شواهدی را ارائه نموده که نشان می‌دهد چرا ممکن است مردم فکر کنند انقلاب برای آنها آن قدر سودمند بوده که حفظ آن ارزشمند باشد؟

زمان‌های کاهش یافتن فقر، اصلاحات اقتصادی و افزایش درآمد

گرچه سیاست‌هایی به نفع طبقه فقیر اجرا شد، ولی دلیل عمده کاهش فقر، ممکن است افزایش درآمدهای نفتی باشد. سیاست‌هایی که به نفع طبقه فقیر بوده در طیف وسیعی، از یارانه غذا، انرژی و دارو تا صرف هزینه برای تأمین برق و آب، تا برنامه‌های بهداشت و تنظیم خانواده، گسترده هستند

جدول ۸: مالکیت خانه و لوازم خانگی و دسترسی به خدمات اساسی به تفکیک پنجگانه‌های مزینده

از سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۴

	Home owner	Living area	TV	Car	Phone	Washing machines	Refrig-erator	Gas stove	Elect-ricity	Water	Natural gas
Urban											
1984											
1	69.8	11.9	90.0	2.4	5.7	10.3	77.2	65.6	98.5	92.1	3.1
2	73.3	14.0	74.4	5.7	11.1	20.3	69.7	81.5	99.6	86.2	4.0
3	73.9	17.5	82.3	13.4	10.6	28.6	92.3	96.9	99.7	97.0	9.7
4	71.2	30.6	85.4	19.6	24.6	40.0	94.7	90.5	99.8	97.2	9.5
5	66.9	32.0	87.9	37.9	41.7	53.7	96.0	93.4	99.9	98.2	16.6
1994											
1	73.6	13.5	86.1	3.8	16.6	21.6	88.3	98.9	83.4	94.4	27.6
2	73.8	18.1	93.4	6.9	31.6	35.5	95.5	90.7	92.4	96.0	35.7
3	75.4	22.0	94.8	14.2	39.7	48.3	96.3	99.9	94.5	96.8	41.3
4	73.7	27.7	96.1	22.1	54.5	61.8	97.2	99.9	96.7	99.0	48.2
5	74.4	44.0	97.1	30.5	69.9	76.8	98.6	99.9	98.0	99.6	57.5
2004											
1	65.7	14.8	93.4	6.7	83.0	33.4	95.7	93.7	100.0	97.1	63.8
2	67.5	21.9	96.6	13.4	79.1	53.6	99.0	98.1	100.0	99.1	76.3
3	67.2	26.9	97.3	18.9	81.7	64.2	98.6	98.0	100.0	99.5	82.4
4	70.8	30.6	98.8	31.7	86.7	75.1	99.1	99.2	100.0	99.5	85.4
5	69.9	41.9	98.0	53.0	91.5	89.2	99.4	99.6	100.0	99.8	89.2
Rural											
1984											
1	89.3	-	7.1	0.2	-	-	12.7	21.0	37.0	41.0	0.1
2	91.2	-	15.0	0.6	-	-	34.5	35.5	47.8	36.3	0.2
3	90.5	-	23.5	1.1	-	-	25.1	44.9	56.5	42.6	0.2
4	90.3	-	32.2	2.0	-	-	43.3	54.2	64.8	47.1	0.4
5	86.8	-	48.2	10.0	-	-	59.6	68.5	79.2	59.2	0.3
1994											
1	87.8	12.0	49.2	0.8	0.8	2.6	39.0	74.6	54.5	58.5	0.0
2	89.4	13.3	64.8	1.6	3.6	6.0	63.9	82.1	69.5	69.5	1.6
3	88.0	16.5	79.6	3.3	5.6	10.1	72.1	84.0	74.0	72.7	2.6
4	87.0	17.6	76.6	4.0	8.2	16.8	79.0	86.0	78.9	77.4	2.4
5	85.2	22.8	74.1	11.0	11.6	25.3	80.7	86.9	84.2	81.5	3.6
2004											
1	81.7	14.0	70.7	1.7	26.0	4.9	60.4	75.5	64.1	72.4	7.7
2	88.4	17.6	84.2	3.5	40.4	12.5	82.6	88.7	86.3	84.1	11.0
3	86.0	20.2	80.9	5.2	51.0	21.5	94.6	92.0	99.0	89.4	13.3
4	89.2	23.3	93.5	9.7	59.3	31.1	96.5	94.4	99.3	94.8	16.4
5	84.6	30.8	95.0	23.2	69.3	42.2	97.5	99.4	99.6	94.9	21.0

Note: Homeowner in column 1 is percent who own their home; living area in column 2 is square meters per person; all other columns are percent.

Source: Author's calculations using HBS, various years.

سیاسی است که حقوق بشر و مردم‌سالاری را به وضعیت اقتصادی فلاکت‌بار فقیران ربط دهد. (۲۵) در صورتی که فرض نارضایتی عمومی طبقه فقیر پست‌تر تجربه‌ی نداشت‌باشد، تغییری هم که ایگناتیف پیشنهاد می‌کند چاره‌کار نخواهد بود. طراحی راهبرد سیاسی درست به تعیین صحیح ریشه‌های نارضایتی اقتصادی در ایران بستگی خواهد داشت. تجربه سه دهه گذشته شواهدی ارائه می‌کند که چرا بخش‌های مختلف جامعه احساس ناامیدی و نارضایتی می‌کنند؟ یک دلیل روشن، مقایسه ذهنی نادرست است. ایرانیان ناراضی که در پاسخ به بازدیدکنندگان و گزارشگران از اوضاع اقتصادی کشور شکایت می‌کنند، از مقایسه ایران با کشورهای دیگر از نظر فقر و درآمد بی‌خبر بوده‌اند. یک برداشت کاملاً متفاوت در جدول ۱ (نشریه چشم‌انداز ایران، شماره ۴۴، بخش دوم)

ارائه شده است، بیشتر ایرانیان هم اکنون جز خاطرهای گنگ و مبهم از دوران پیش از انقلاب در ذهن ندارند. در نبود معیاری عینی برای مقایسه کیفیت زندگی در ایران امروز با ایران دهه ۱۹۷۰، بسیاری با مقایسه اوضاع امروز کشور با یک ایران خیالی پیش از انقلاب یا سخنان بستگان مهاجرشان درباره برخی کشورهای پیشرفته امروز، نگرانی‌هایی به خود راه می‌دهند.

منبع عینی‌تر نارضایتی، بیکاری جوانان می‌باشد. در حدود یک چهارم مردان و نیمی از زنان در سنین بین ۲۰ تا ۲۴ سال در سال ۲۰۰۴ بیکار بوده‌اند

(Salehi-Isfahani, 2005). از آنجا که باریکاری جوانان بر دوش خانواده‌هایی است که می‌بایست فرزندانشان را تا سال‌های پایانی دهه سوم زندگیشان تأمین کنند. نارضایتی اقتصادی به تمام سنین گسترش می‌یابد. دلیل دیگر برای نارضایتی جوانان - که پیشتر (Marku and Salehi-Isfahani, 2006) نشان داده شده - کمتر شدن درآمد مادام‌العمرشان از نسل پیش از آنهاست که در زمان انقلاب پا به بزرگسالی گذاشته بود. گرچه متوسط درآمدها به سطح پیش از انقلاب رسیده، اما برخی گروه‌های نسلی آن را تجربه نکردند.

افزایش احساس ناامنی اقتصادی، حتی در گروه‌های اجتماعی که از رشد‌های اخیر بهره‌مند شده‌اند، نیز ممکن است نگرانی فردی را بر دستاوردهای جمعی غالب کند. کاهش فقر توأم با ثبات نابرابری، احساس ناامنی را به خوبی توضیح می‌دهد. هنگامی که اصلاحات اقتصادی در اوایل دهه ۱۹۹۰ آغاز شد، نزدیک به ۶۰ درصد حقوق‌بگیران و مزدبگیران در بخش‌های دولتی اشتغال داشتند، اما در سال ۲۰۰۴ این مقدار به ۴۰ درصد کاهش پیدا کرد (Salehi-Isfahani, 2005). مشاغل بخش دولتی احساس امنیت بیشتری ایجاد می‌کنند و با وجود پرداخت کمتر ترجیح داده می‌شوند. اصلاح مقررات بازار کار به قصد ایجاد امنیت بیشتر برای شاغلان بخش خصوصی در عمل شکست خورد، چرا که کارفرمایان را به عقد قراردادهای کوتاه مدت و پیشنهاد شغل‌های پاره وقت سوق داد. جالب آن که یکی از نخستین اقدامات دولت جدید جلوگیری از عقد قراردادهای کوتاه مدت در شرکت‌های دولتی بود. اصلاح تجارت خارجی در سال‌های اخیر که منجر به رفع موانع غیرتعرفه‌ای شد و نرخ متوسط تعرفه را کاهش داد، فشار رقابتی آسیای شرقی را بر بخش‌هایی از اقتصاد ایران، بخصوص صنعت نساجی، افزایش داد و امنیت شغلی را برای کارگران کم‌مهارت کاهش داد. با افزایش درآمدهای نفتی که دروازه‌ها را بر واردات ارزان قیمت از آسیای شرقی گشود، این فشارهای رقابتی تشدید شد.

یک امکان جالب دیگر هم وجود دارد که در منابع مربوط به قطبی‌سازی (Polarization) ارائه شده (Duclos, Esteban, and Ray, 2004)،

ممکن است جامعه ایران با وجود عادلانه‌تر شدن، قطبی‌تر شده باشد. فقیران نه تنها وضعیت بهتری پیدا کرده‌اند، بلکه همگی شرایط یکسانی را نیز تجربه می‌کنند، مثلاً همه به آموزش ابتدایی، خدمات اساسی، یخچال و تلویزیون دسترسی دارند؛ در عین حال، به عنوان یک گروه، احتمالاً از جهت زمینه‌های فرهنگی، مثلاً از جهت اعتقاد به افکار و شیوه زندگی غربی که در غیرفقیران ممکن است رایج‌تر باشد، هنوز از سایر گروه‌های اجتماعی، متمایزند. به این ترتیب در حالی که جامعه از لحاظ اقتصادی به سمت

از آنجا که بار بیکاری جوانان بر دوش خانواده‌هایی است که می‌بایست فرزندانشان را تا سال‌های پایانی دهه سوم زندگیشان تأمین کنند. نارضایتی اقتصادی به تمام سنین گسترش می‌یابد. دلیل دیگر برای نارضایتی جوانان - که پیشتر نشان داده شده - کمتر شدن درآمد مادام‌العمرشان از نسل پیش از آنهاست که در زمان انقلاب پا به بزرگسالی گذاشته بود

برابری بیشتر می‌رود، ممکن است از جهت مرزبندی‌های اجتماعی، قطبی سازی در آن بیشتر شود.

آخرین نکته این که در یک جامعه توزیعی وابسته به حق و ویژه (رانت) نفت، بخصوص در موردی مانند ایران که احساس عمیق بی‌عدالتی اقتصادی در آن رسوخ نموده، رشد اقتصادی ممکن است منجر به احساس رشک و سرخوردگی شود. در چنین اقتصادی، درآمدهای فردی ممکن است نه تنها با تولید بیشتر، بلکه با جست‌وجوی بیشتر حق و ویژه (رانت) نیز افزایش یابد. فقدان شفافیت اقتصادی، که تقریباً ذاتی هر فرایند ویژه‌خواهی (رانت‌جویی) است، احساس رشک را تشدید می‌کند. اکثر ایرانیان که از سیستم اقتصادی خود ابراز نارضایتی می‌کنند، به نظر می‌رسد درباره درآمدهای نفتی کشور تصور بزرگ‌نمایی شده‌ای داشته‌ودر مورد توزیع این درآمدها مشکوک باشند. حدس‌های بی‌حساب درباره ثروت‌اندوزی ایرانیان داخل و خارج از ایران نشان می‌دهد که چقدر اطلاعات درباره مقدار و توزیع درآمدهای نفتی اندک است.^(۱۹) پس عجیب نیست که فساد اقتصادی، نه تکیه بر قواعد بازار، باعث شده است که ایرانیان همواره می‌خواهند بدانند چرا پول نفت بر سفره‌هایشان نمی‌آید؟! چند دهه است که حق و ویژه (رانت)‌های نفتی ارتباط میان تولید و درآمد فردی را مخدوش ساخته است. از آنجاکه پاداش‌هایی که افرادی می‌گرفتند، ظاهراً ربطی به مولد بودنشان نداشته، افراد نمی‌توانند آمل و انتظارات خود را بر پایه محکمی طراحی کنند. هر چه متوسط درآمدها سریع‌تر افزایش می‌یابد، احساس می‌کنند فرصت نان بزرگتری باید میانشان تقسیم شود و مبادا سهمی که به آنها رسیده به اندازه کافی بزرگ نبوده باشد. اگر طبقه فقیر معتقد باشد که دستاوردهایی کمتر از دیگران نصیب او شده، کاهش فقر به نظرش چندان چشمگیر نخواهد آمد. در چنین شرایطی، رشد اقتصادی حتی اگر با توزیع کاملاً مساوی درآمدها همراه باشد، ممکن است منجر به رشک و نارضایتی اجتماعی و حتی بی‌ثباتی سیاسی شود. این که تحولات سیاسی مهم مردمی

ایران اغلب در هنگام جهش‌های اقتصادی رخ دادند، نکته‌ای مهم است که چندان به آن توجه نشده است. یک توضیح ممکن در این مورد می‌تواند این باشد که وقتی درآمد نفتی زیادی نصیب دولت می‌شود، طبقات پایین‌تر به‌صورت قابل درکی به دنبال رهبری می‌افتند که مال و منال چندانی ندارد. نبود شفافیت در اقتصاد ایران به‌طور کلی و در شیوه توزیع درآمدهای نفتی به‌طور خاص، درست هنگامی که اقتصاد، آماده رشد سریع است، به این احساس رشک دامن می‌زند و شرایط سیاسی را پیچیده می‌سازد.

این احتمالات نشان می‌دهند که می‌بایست دلایلی پیچیده‌تر از گسترش فقر و افزایش نابرابری را برای فهم علت نتایج انتخابات اخیر بررسی و آزمون کرد. دست‌کشیدن از اصلاحات اقتصادی و بازگشت به سیاست‌های دهه ۱۹۸۰ - مثل کنترل قیمت‌ها و صرف هزینه بیشتر برای یارانه‌ها - ممکن است درس غلطی باشد که از شکست اصلاح‌طلبان در انتخابات سال ۲۰۰۵ گرفته می‌شود. در حال حاضر بهتر است به راحتی بپذیریم که نمی‌دانیم در ایران تغییرات اقتصادی چه ارتباطی با تغییرات اجتماعی و سیاسی دارند، از این رو نمی‌توانیم در این باره به نتیجه مشخصی برسیم.

* استاد دانشگاه صنعتی ویرجینیا، گروه اقتصاد، اوت ۲۰۰۶ (مرداد و شهریور ۱۳۸۵)

بی‌نوشت‌ها:

25- "Iranian Lessons", New York Times, July 17, 2005.

۲۶ - مقاله‌ای که در نیویورک تایمز منتشر شده:

("Young Iranians Follow Dreams to Dubai", December 4, 2005)

می‌گوید: «۲۰۰ میلیارد دلار توسط ایرانیان در دویبی سرمایه‌گذاری شده است.»

منابع در دفتر نشریه چشم‌انداز ایران موجود می‌باشد.

نفت و قانون نفت عراق

به اطلاع خوانندگان عزیز نشریه چشم‌انداز ایران می‌رساند، در شماره ۲۵ درباره قانون نفت عراق در سرمقاله مطالبی درج شد. مقالات زیر نیز پیرامون موضوع «نفت و قانون نفت عراق» می‌باشد که به سبب کمبود جا امکان انتشار نیافته‌اند. خوانندگانی که به این موضوع علاقه مندند می‌توانند جهت مطالعه آنها به سایت www.metsami.com مراجعه فرمایند.

- چه اتفاقی در مورد نفت عراق در حال رخ دادن است؟ نویسنده عیسان چلبی (وزیر پیشین نفت عراق) / برگردان: چشم‌انداز ایران
- پس از ۵ سال، اسمش را می‌گذاریم خون در برابر نفت / نویسنده: دیوید سوانسون / برگردان: چشم‌انداز ایران
- کشمکش بر سر نفت عراق / نویسنده: مایکل شوآرتز (رئیس دانشکده مطالعات جهانی دانشگاه بروک نیویورک) برگردان: چشم‌انداز ایران
- نامه‌ای سرگشاده به اعضای کنگره آمریکا و پارلمان‌های اروپا که مخالف جنگ عراق هستند نویسنده: حسین جمعه‌عواد (رئیس فدراسیون عراقی اتحادیه‌های نفتی) / برگردان: چشم‌انداز ایران
- نفت عراق / مهدی یوسفی / سایت‌شاننا
- قانون نفت و گاز، تقسیم درآمد و سیاست آمریکا: گزارش CRS برای کنگره آمریکا نویسنده: کریستوفر بلانچارد (متن اصلی بدون برگردان)
- نفت عراق / چکیده تمامی مقالات پیرامون نفت عراق در سال‌های اخیر (متن اصلی بدون برگردان)
- پیشرفت قانون نفت / گفت‌وگو با قباد طالبانی / از Ben Lando (رابط انرژی UPI) / برگردان: چشم‌انداز ایران